

جامعه‌شناسی احزاب سیاسی در ایران؛ مطالعه موردی نهضت آزادی ایران و جبهه مشارکت ایران اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

کد مقاله: ۴۶۷۰۶

رضا پریزاد^۱، امیر هادی منش^۲

چکیده

کشور ایران جامعه‌ای است که اقشار مختلف و گرایش‌های گوناگون در آن زیست می‌کنند. بنابراین همواره این امکان وجود داشته است که رویکردهایی از جانب برخی به سوی احزاب باشد. هدف این تحقیق بررسی و واکاوی فعالیت دو حزب نهضت آزادی ایران و جبهه مشارکت ایران اسلامی است که تلاش شده است با نگرشی جامعه‌شناختی پیشینه شکل‌گیری و ساختار درونی دو حزب مذکور مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. روش این تحقیق بر اساس درک شرایط انقلاب در ایران و مطالعه تاریخ سیاسی، اجتماعی کشور به شیوه توصیفی و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. روش‌شناسی مقاله نیز در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی قرار دارد. در بررسی عملکرد دو حزب مذکور، نخست به موسسان اولیه و سپس به مبنای فکری شد و در نتیجه ساختار قدرت سیاسی دو حزب در عصر حاضر پدیدار خواهد شد.

واژگان کلیدی: نهضت آزادی ایران، حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، راهبرد، حزب

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

۲- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد

در شروع بحث احزاب بهتر است از تعریف حزب، گفته شود که عمدتاً حزب، به گروهی از مردم گفته می‌شود که دارای منافع مشترکی می‌باشند و برنامه‌ای منسجم برای رسیدن به قدرت دارند. و بسیار تعاریف دیگر که به داشتن سلسله مراتب و وصل به یک ایدئولوژی واحد منتهی خواهد شد. همچنین داشتن یک مرامنامه برای حزب آن دسته استراتژی‌هایی که مربوط به حزب می‌شود، بین تعاریف مختلف تمایز ایجاد کرده است. کارویژه‌هایی برای احزاب بیان شده است که می‌توان به داشتن نقش در توسعه پایدار یک کشور و اینکه گاهی احزاب ابزاری در دستان حاکمان مستبد در برخی کشورها می‌شوند، و مدار نبودن احزاب و به شکل مستقل عملکردهایی را در راستای تشکیل دولت داشتن و چند مورد دیگر می‌تواند از کارویژه‌های احزاب باشد.

به نظر می‌رسد که عصر حاضر، پدیده احزاب ایرانی فاقد عملکرد بهینه و کارآمدی لازم بوده و به دلایل مختلفی از جمله علل تاریخی — ساختاری نتوانسته‌اند کارویژه‌های ایجابی این پدیده را در ایران محقق سازند. چنانچه بخواهیم به علل ناکارآمدی احزاب در ایران اشاره نماییم عوامل مختلفی را برای این ناکارآمدی می‌توان شمرد که عبارتند از:

الف: جنگ؛ جنگ‌ها و بحران‌های مشابه، تأثیرات انکارناپذیری بر سیر تحزب و کامیابی یا ناکامی احزاب بر جای گذاشته است. به طور نمونه در جنگ جهانی دوم و با ورود متفقین به خاک ایران در ۱۳۲۰، رضاشاه به‌رغم اعلام بی‌طرفی، به دلیل هواداری قبلی از آلمان‌ها از سلطنت خلع، و به جزیره موریس تبعید شد و ایرانیان و جریان‌های سیاسی از حدود دو دهه اختناق و استبداد مطلق به یکباره رها شدند؛ زیرا شاه کم‌تجربه و جوان، یعنی پهلوی دوم، دست کم تا یک دهه بعد فاقد اقتدار لازم بود و همین امر باعث شد که جنگ جهانی دوم به طور غیر مستقیم باعث شود که با سرنگونی دیکتاتوری پهلوی اول، از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، جو سرکوب تا حدی تلطیف شود. به همین دلیل این دوره در جریان‌شناسی تاریخ تحزب، دوره اوج‌گیری و تحرک‌یابی فعالیت‌های احزاب به شمار آمده است.

همچنین نمی‌توان از تأثیر جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران بر رکود فعالیت‌های حزبی غافل شد؛ زیرا در خلال سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷، تمام امکانات، اندیشه‌ها و نیروهای فیزیکی و فکری جامعه، اعم از عموم مردم و نخبگان، مشغول فریضه دفاع از میهن اسلامی گردیده بودند و شرکت در جبهه‌های دفاع، از سوی امام‌خمینی(ره) و سایر مراجع، به عنوان واجب کفایی و مهم‌ترین اقدام ایرانیان، مورد تأکید همه‌جانبه قرار گرفت. بدیهی است این حالت جنگی هشت‌ساله، بسیاری از فعالیت‌های سیاسی را کند کرد و آنهایی را که به طور بالقوه می‌توانستند به فعالیت‌های سیاسی وارد شوند، به سوی فعالیت‌های جنگی کشانید و با شهادت یا جانبازی گروه عظیمی از نیروهای توانای انقلاب، کشور در مقاطع بعدی از نعمت وجود و تأثیر بسزای آنها محروم گردید. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶)

ب: فقدان تحولات بنیادین در فرماسیون اجتماعی، و تقابل میان سنت و تجدد؛ یکی از ریشه‌های تاریخی موفق نبودن احزاب در ایران آن است که فرماسیون یا صورت‌بندی اجتماعی در ایران کمتر در معرض تغییرات و تحولات زیربنایی که در اروپای دوران رنسانس به بعد رخ داد، قرار گرفته است. در اروپای پس از رنسانس، فروپاشی فئودالیسم و ظهور سرمایه‌داری، موجب پیدایش گروه‌های اجتماعی متفاوتی شد که هر کدام برای نیل به قدرت سیاسی و تصاحب سهم بیشتری از درآمد اقتصادی، با یکدیگر رقابت می‌کردند. اما فرماسیون اجتماعی در ایران حتی تا اواسط قرن بیستم چندان تکان جدی نخورده بود. زیربنا و شالوده اقتصادی ایران، دولتی بود و دولت به صورت بزرگ‌ترین کارفرما عمل می‌کرد. حتی اصلاحات ارضی، که در اوایل دهه ۱۳۴۰ توسط رژیم شاه با هدف اضمحلال نظام ارباب — رعیتی انجام شد و در آن بیشتر کسب وجهه برای رژیم مدنظر بود، نتوانست در آن فرماسیون تغییر چندانی ایجاد کند. (زیباکلام، ۱۳۷۹) از سویی یکی دیگر از موانع تاریخی که ما همیشه در جوامع سنتی با آن روبه‌رو بوده‌ایم، درگیری پنهان و آشکار میان سنت و تجدد است. حزب پدیده‌ای نوین است و طبیعتاً بافت سنتی جامعه‌پذیری آن نیست. جامعه ما همیشه با پدیده‌های نو حالت تقابلی و تدافعی دارد و کمتر از این مقولات استقبال می‌شود. ابتدا همیشه با شک، نگرانی و تردید به این پدیده‌های نوین نگاه می‌شود، اما بعد از طرح آنها در جامعه، به تدریج افراد آماده‌پذیرش آن می‌شوند. ما در طی تاریخ این درگیری را شاهد بوده‌ایم. (حق شناس، ۱۳۷۸) از دیگر مواردی که به علل ناکارآمدی حزب و تحزب‌گرایی در کشورمان به چشم می‌خورد را در ادامه بدان می‌پردازیم.

ج: وابستگی احزاب به بیگانگان و ایدئولوژی‌های الحادی

یکی از مشکلات تاریخی احزاب و موجد بدینی بیشتر به این شکل‌ها، وابستگی بعضی از آنها به دو قطب شرق و غرب و به‌ویژه تحت حمایتی آنها به شوروری یا وابستگی به مجموعه‌های فراماسونری بوده است؛ همچنان که وابستگی یکی از سه یا چهار جریان اصلی احزاب و گروه‌های سیاسی — یعنی چپ‌گرایان — به ایدئولوژی الحادی مارکسیستی — لنینیستی، میان آنها و عامه مردم پایبند به اعتقادات عمیق اسلامی، فاصله‌افزون‌تری ایجاد کرد. شایان ذکر است که به‌طور کلی عمده‌ترین گروه‌ها و احزاب دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۴۰، ۱۳۵۰ جریانات چپ وابسته به نظام‌های سوسیالیستی شوروی سابق و نظام کمونیستی و مائوئیستی چین بودند.

نفوذ قدرت‌های خارجی در ایران و وابستگی افراد و رهبران احزاب و گروه‌ها به این قدرت‌ها، از جمله عواملی بود که مانع رشد و توسعه فعالیت‌های حزبی در پویش سیر طبیعی خود که برگرفته از نیازهای اجتماعی — سیاسی جامعه باشد گردیده است. به‌طور کلی نفوذ قدرت‌های خارجی را در شکل‌های دموکرات و وابسته به غرب و به طور مشخص تری در حزب توده می‌توان مشاهده

کرد. خیانت‌ها، دسیسه‌ها و کارشکنی‌هایی که بر اثر پیروی کورکورانه این حزب و سایر گروهک‌های چپ، از دستورات و خط‌مشی‌های سران نظام سوسیالیستی شوروی سابق در مسائل و صحنه‌های مختلف همچون جنگ جهانی دوم و خیانت سران احزاب کمونیست در شمال و غرب کشور، مسائل نفت شمال در دهه ۱۳۲۰ و سپس مسأله ملی شدن صنعت نفت و جریان‌ات دوران انقلاب اسلامی و... انجام شد، سبب افزایش بدبینی و بی‌اعتمادی تاریخی نسبت به احزاب در ایران شد. (قربانی، ۱۳۷۹) با تثبیت جمهوری اسلامی در اوایل دهه ۱۳۶۰ و انحلال بسیاری از گروهک‌ها و احزاب چپ‌گرا و ترک وطن عده‌ای از اعضای آنها، مداخله و نفوذ همسایه شمالی در جریان‌های حزبی نسبتاً فروکش کرد که البته با فروپاشی شوروی سابق این امر سرعت و استمرار یافت، اما در دهه اخیر، کشورهای غربی با رهبری و سردمداری ایالات متحده آمریکا برای نفوذ و مداخله در جریان‌های حزبی داخلی تلاش بسیار روزافزونی نموده‌اند تا به‌زعم خویش به وسیله این احزاب و جریان‌های روشنفکری و نخبه‌نما، طرح براندازی و انقلاب‌های مخملین اجرا شده در بعضی از جمهوری‌های شوروی سابق — و همسایگان روسیه فعلی — و بلوک شرق را نیز در ایران اجرا نمایند. دعوت از سران بعضی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و روشنفکری به کنفرانس‌های خارج از کشور — همانند کنفرانس برلین — با همین هدف انجام پذیرفت و متأسفانه بعضی از جریان‌های سیاسی و حزبی و اعضای این تشکل‌ها بدون درس گرفتن از گذشته، به این دعوت‌ها و مطالبات پاسخ مثبت دهند و با اقبال به آن آغوش گشودند و با اتخاذ روشی افراطی، خط سیر عبور از نظام را دنبال کردند که خوشبختانه تاکنون به توفیقی دست نیافته‌اند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶) موارد دیگری را برای ناکارآمدی احزاب در ایران می‌توان در نظر داشت، مثل: وجود احزاب دستوری و وابسته که تا قبل از انقلاب اسلامی بسیار در کشور فعال بوده‌اند، ضعف جامعه مدنی و نبود یا کمی تجربه مشارکت‌های سیاسی بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به جایگاه احزاب، فقدان تحولات بنیادین در فرمایشون اجتماعی، و تقابل میان سنت و تجدد و دیگر مواردی که چنانچه بخواهیم بدان بپردازیم از عرصه این تحقیق و دور خواهیم گشت.

در ایران معاصر، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، احزابی سیاسی وجود داشته‌اند که گروهی از مردم را از جهت فکری یا عملی با خود همراه کرده‌اند و با عده‌ای از آن‌ها گام‌هایی برای کسب قدرت سیاسی برداشته‌اند. حزب توده، جبهه ملی ایران، حزب آزادی، مجاهدین خلق یا منافقین و انجمن حجتیه، برخی از این احزاب و تشکلات مهم قبل از وقوع انقلاب اسلامی بوده‌اند. بعد از وقوع انقلاب نیز با احزاب و تشکلات مهمی همچون جامع روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی، جبهه دوم خرداد و جبهه پایداری روبه‌رو بوده‌ایم که در این تحقیق به دو مورد نهضت آزادی ایران و جبهه مشارکت ایران اسلامی اشاراتی خواهیم داشت.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

دانستن کلیاتی از این احزاب سیاسی، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تعیین سرنوشت‌مان داشته باشد. این واقعیتی غیرقابل چشم‌پوشی است که انسان‌ها در جریان‌ها زندگی می‌کنند و به پیش می‌روند. گاهی انسان‌ها فقط زبان یک جریان سیاسی می‌باشند. در چنین مواقعی جریان‌شناسی احزاب سیاسی در ایران معاصر، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در خودشناسی و یافتن مسیر مستقیم هدایت بازی نماید. انسان‌ها هرچقدر هم اندیشمند و خلاق باشند، درون روده‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... به نام جریان‌ها قرار دارند. بنابراین تلاش برای کشف این جریان‌ها، در کنار خودشناسی، در واقع برداشتن گامی مهم برای شناخت هویت احزاب می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

محمد رحمتی و عباس کشاورز شکری در مقاله‌ای تحت عنوان شیوه‌های عضوگیری نهضت آزادی (۱۳۴۲-۱۳۵۷) پرداخته‌اند که ایشان در این مقاله فقط به شیوه‌های عضوگیری جریان فکری نهضت آزادی طی سالهای وقوع انقلاب اسلامی واکاوی شده است.

حسن حضرتی و همکاران (۱۳۹۵) مقاله‌ای را با عنوان جنگ ایران و عراق در گفتمان سیاسی نهضت آزادی ایران تدوین نموده‌اند که ایشان به گفتمان سیاسی نهضت آزادی از زمان تصدی گری دولت موقت و مواجه دولت مزبور با عراق تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه با محوریت نظرات مکتوب، مصاحبه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها این حزب را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

عبدالله شمس، صادق سلیمی‌بنی (۱۳۹۱) کتابی تحت عنوان حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی را به رشته تحریر درآورده‌اند که ایشان در این کتاب که سیزده فصل با عناوین: تاسیس حزب و زمینه‌های فکر، اعضا، دیدگاه‌ها، اهداف و انواع سیاست‌ها، نگرش‌های فرهنگی و عملکردهای انتخاباتی حزب را مورد مذاقه قرار داده‌اند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی (۱۳۸۱) بعنوان تهیه‌کننده کتابی با نام مرامنامه و اساسنامه جبهه مشارکت ایران اسلامی تهیه نموده است که در این کتاب این حزب به ضرورت‌های تاسیس حزب و نوع نگرش موسسان به انسان و جامعه، اصولی برای داوری نسبت به رفتار و عملکرد اعضا، در قالب مرامنامه برای سنجش افراد و هواداران تهیه و تکثیر و پخش نموده است.

۴- روش تحقیق

از آنجا که آشنایی و درک شرایط حزبی در ایران منوط به مطالعات علوم سیاسی، کشور است، از این رو بخش‌های این مقاله به شیوه توصیفی دو حزب نهضت آزادی و جبهه مشارکت ایران اسلامی را مورد بررسی قرار خواهد داد روش‌شناسی مقاله نیز در چارچوب جامعه‌شناسی احزاب قرار دارد. در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و بررسی اسناد معتبر انجام شده است.

۵- حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی

حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۱۳۷۷ در شهر تهران به طور رسمی مجوز خود را از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اخذ و اعلام موجودیت کرد (روزنامه جمهوری ۱۳۷۷). این تشکل سیاسی در زمره یکی از احزاب سیاسی تأثیرگذار در مقطعی کوتاه بر تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی ایران به شمار می‌آید که در خلال مباحث این بخش نمای کلی آن به تصویر کشیده می‌شود.

نحوه تأسیس پس از انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری برخی از افراد فعال در ستادهای انتخاباتی سید محمد خاتمی در تهران و شهرستان‌ها در صدد ایجاد روابط نزدیک با همدیگر و تلاش برای حصول اهداف مشترک از طریق پایه‌ریزی یک تشکل سیاسی سراسری فراگیر برآمدند. تصور بر این بود که احتمال رئیس‌جمهور شدن خاتمی وجود ندارد. به همین دلیل هدف اعلامی و آشکار آنها این بود که از رهگذر تبلیغات و فعالیت‌های سیاسی، یک گروه و سازمان فکری و سیاسی در کشور تأسیس شود که بتواند ایده‌های آقای خاتمی را پیگیری نماید. با پیروزی آقای خاتمی عزم بنیان‌گذاران جزم‌تر شد که این تشکیلات سیاسی را به صورت رسمی راه‌اندازی کنند؛ زیرا معتقد بودند که بدون تشکیلات منسجم برنامه‌های آقای خاتمی به نتیجه نخواهد رسید. آنان پس از بحث و تبادل نظرهای مختلف به این نتیجه رسیدند که در راستای تفکرات انتخاباتی آقای خاتمی که در سه شعار «آزادی در بیان منطقی در گفتگو و قانون در عمل» خلاصه می‌شد یک تشکل سیاسی راه‌اندازی نمایند. ارگان رسمی و نشریات وابسته ارگان رسمی حزب مشارکت در ابتدا روزنامه مشارکت بود که در اردیبهشت ۱۳۷۹ توقیف و روزنامه نوروز جایگزین آن گردید، این روزنامه نیز در تیرماه ۱۳۸۱ توقیف شد. علاوه بر ارگان رسمی نشریات و روزنامه‌های مکتوب و الکترونیکی دیگری نیز به تبلیغ و انتشار دیدگاه‌های این حزب می‌پرداختند که تعدادی از آنها عبارت بودند از:

۱. ماهنامه آیین که به مباحث تئوریک مورد نظر حزب می‌پرداخت.
۲. خبر نامه داخلی حزب که به صورت هفتگی ویژه اعضا و هواداران منتشر می‌گردید.
۳. نشریات و جزوات مختلف که برای پیشبرد اهداف از طریق انتشارات حزب منتشر می‌گردید.

۵-۱- بنیان‌گذاران

اغلب بنیان‌گذاران حزب مشارکت از مسئولین اجرایی دولت برآمده پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ بودند که پیش از انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری در ستادهای انتخاباتی سید محمد خاتمی فعالیت می‌کردند مؤسسين ۱۰۵ نفر بودند که با صدور بیانیه‌ای موجودیت حزب را اعلام نمودند و حداقل ۲۰ نفر از آنان به عنوان بنیانگذاران اصلی محسوب می‌شدند که در ذیل به اسامی آنها اشاره می‌شود: ۱. محمدرضا خاتمی (نماینده و نائب رئیس دوره ششم مجلس شورای اسلامی)، ۲. محسن امین زاده (معاون وزارت امور خارجه)، ۳. مصطفی تاج زاده (معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور)، ۴. سعید حجاریان (مشاور سیاسی رئیس‌جمهور)، ۵. هادی خانیکی (معاون وزیر علوم و مشاور فرهنگ رئیس‌جمهور)، ۶. عباس عبدی (مشاور رئیس‌جمهور)، ۷. سعید پور عزیزی (مدیر مسئول روزنامه بهار)، ۸. مرتضی حاجی (وزیر تعاون دوره اول ریاست جمهوری خاتمی، وزیر آموزش و پرورش دوره دوم)، ۹. محمدرضا عارف (وزیر پست و تلگراف و تلفن)، ۱۰. حبیب‌الله بیطرف (وزیر نیرو در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی)، ۱۱. نجفقلی حبیبی (رئیس دانشگاه علامه طباطبایی)، ۱۲. معصومه ابتکار (معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست)، ۱۳. داوود کشاورزبان (استاندار مازندران)، ۱۴. سید محمود میرلوحی (استاندار آذربایجان غربی)، ۱۵. رجبعلی مزروعی (مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور)، ۱۶. محسن میردامادی (نماینده مجلس ششم و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)، ۱۷. علی شکوری راد (نماینده مجلس ششم)، ۱۸. سید علی خاتمی (رئیس سازمان بازرسی ریاست جمهوری)، ۱۹. رحمان دادمان (معاون وزیر راه و ترابری)، ۲۰. احمد ستاری (روزنامه نگار). (جبهه مشارکت ۱۳۸۱).

۵-۲- دبیرکل

در اولین کنگره حزب مشارکت سید محمدرضا خاتمی به دبیر کلی برگزیده شد. وی تا کنگره هشتم عهده دار این سمت بود. بعد از وی تا زمان انحلال، آقای محسن میردامادی منصب دبیرکلی حزب را در اختیار داشت.

۵-۳- خط مشی کلی

خط مشی حزب مشارکت اصلاح طلبانه بود که از بدو تشکیل ضمن انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی خواهان تغییر وضع موجود بود. این خط مشی در اظهار نظر اعضای برجسته آن و مرامنامه آشکار است. (صدای عدالت ۱۳۸۱) حزب مشارکت برنامه اصلاحات خود را در وهله اول استفاده از ظرفیت های درون نظام و قانون اساسی دنبال می کرد اما در هر جاکه لازم بود به ظرفیت های خارج از قانون اساسی نیز متمسک می شد. (شمسی، ۱۳۹۶)

۵-۴- اهداف و راهبردها

اهداف بلندمدت کوتاه مدت و راهبردهای که حزب مشارکت در اسناد، مواضع، بیانیه های خود ترسیم کرده است در این بخش به اجمال اشاره خواهد شد.

اهداف

در اسناد و دیدگاههای حزب مشارکت و اعضای آن طیفی از اهداف ذکر شده است که شامل طیف متنوعی از اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت می شود؛ مانند:

۱. معنویت، عدالت و آزادی؛
۲. تثبیت جایگاه شایسته ایران در تصمیم گیری جهانی؛
۳. تقویت نهادهای مدنی؛
۴. تعمیق بنیادهای نظری مشارکت اجتماعی و گسترش زمینههای عملی این مشارکت؛
۵. قانون مند کردن رقابت های سیاسی؛
۶. انتقال حافظه تاریخی و تجارب سیاسی به نسل دوم انقلاب اسلامی؛
۷. سامان دادن نظام توزیع قدرت در بین مردم؛
۸. دستیابی به توسعه همه جانبه پایدار و موزون (مرامنامه ۱۳۸۱)
۹. مردم سالاری تمام عیار؛
۱۰. ایران برای همه ایرانیان
۱۱. دفاع از حقوق بشر و ...

اکثر اهداف فوق اهدافی مطلوب محسوب می گردند اما مسئله مهم تعریف حدود و ثغور و عملکرد مناسب حزب در این موارد است اینکه حزب مشارکت تا چه حدی در راستای این اهداف حرکت کرده و یا از این اهداف فاصله گرفته است احتیاج به بررسی همه جانبه دارد، اما در این نوشتار به دو مورد اصلی اشاره خواهد شد که حزب مشارکت بیشتر به آن پرداخته است و به نحوی اهداف دیگر حزب را نیز پوشش میدهد.

۱. تحقق مردم سالاری تمام عیار: از خلال مباحث نظری، اعضا بیانیه های رسمی و سند تأملات راهبردی حزب بر می آید که مهم ترین هدف آشکار حزب، مسئله مردم سالاری تمام عیار بود. در اوایل دهه هشتاد و تا زمانی که حزب مشارکت در قدرت حضور داشت، دو گرایش تندرو که مردم سالاری را در خارج از ساختار حقوقی و میانه رو که مردم سالاری را داخل ساختار حقوقی پیگیری می کردند، قابل مشاهده بود.

تندروها بر این نکته تأکید می کردند که بر اساس قانون اساسی فعلی امکان تقویت سازوکار دموکراسی نیست از نظر آنان بر اساس اصول قانون اساسی، با توجه به نقش محوری ولی فقیه در تعیین سرنوشت همه قوای کشور، یک جمهوری ولایی حاصل می آید؛ نه یک جمهوری مردم سالار، بنابراین عبور از اصلاحات صوری به بنیادین؛ عبور از دموکراسی دینی به دموکراسی تمام عیار؛ عبور از اصلاح طلبی به تحول طلبی؛ ترک آرامش فعال و تأسی به نافرمانی مدنی و ضرورت تشکیل ائتلاف دموکراتیک را توصیه می کردند. البته بعد از خروج از قدرت حزب مشارکت به سمت رادیکال شدن پیش رفت، اسناد حزبی مانند سند تأملات راهبردی و همچنین عملکرد حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و وقایع بعد از آن نشان داد که میانه روها نیز به سمت تندروی سوق پیدا کردند. (جلایی پور ۱۳۸۱)

۲. حاکمیت قانون: شعار، راهبرد و هدفی که در بیانیه پایانی کنگره دهم حزب مشارکت تکرار و بر آن تأکید شده است، قانون گرایی است که برای تحقق مردم سالاری تمام عیار و جبران عقب افتادگی هایی که به عقیده مشارکتی ها نتیجه جزم اندیشی و تنگ نظری هاست، باید رسلله اهداف و شعارهای حزب قرار گیرد (روزنامه یاس نو).

موضع گیری ها در مورد حاکمیت قانون و حتی دیگر اهداف از سوی حزب مشارکت با تناقضات آشکاری همراه بود. به عنوان نمونه گاهی به «اقدام پیگیر برای گذار به مردم سالاری فزاینده در چارچوب ظرفیتهای نظام جمهوری اسلامی ایران» اشاره می شد و گاه به امکان نسبی و محدود ساختار حقوقی قدرت در جمهوری اسلامی ایران برای گذار به مردم سالاری تمام عیار

می پرداخت و درصدد القای لزوم تغییر قانون اساسی و ساختار حقوقی بود و با توجه به فراهم نبودن تغییرات ساختار حقوقی به القای مداوم تفسیرهای متناسب با منویات حزب از قوانین تأکید داشت و بر همین اساس فقدان حاکمیت قانون را تبلیغ می کرد.

راهبردهای سیاسی

حزب مشارکت جهت نیل به اهداف خود، راهبردهای مختلفی را ترسیم کرده است و مدون ترین آنها را در سند تأملات راهبردی حزب میتوان یافت که در ادامه به اختصار خواهد آمد.

۱. راهبرد اصلاحات: راهبردی که باعث شکل گیری و تأسیس جبهه مشارکت گردید راهبرد اصلاحات می باشد. این راهبرد، حزب را به سیاست ورزی اصلاح طلبانه با همه الزاماتش می رساند راهبرد اصلاحات حزب مشارکت در دو عرصه سیاست و فرهنگ پیگیری می شد که به طور مختصر این گونه خواهد بود: الف) راهبرد اصلاحات در حوزه سیاسی: راهبرد اصلاحات سیاسی حزب مشارکت برگرفته از نظریه توسعه سیاسی است که قبل از دوم خرداد در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری توسط ججاریان با همکاری همفکرانش تهیه شد و در دولت خاتمی با مختصر تغییراتی اجرا گردید که برخی از آنها عبارتند از:

(۱) تشویق به راه اندازی و توسعه تشکلهای سیاسی و احزاب شناسنامه دار در حوزه سیاست داخلی؛

(۲) تبدیل معاند به مخالف و مخالف به موافق در حوزه سیاست داخلی؛

(۳) تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها در حوزه سیاست خارجی.

به علت گستره عریض اصلاحات و ابهام در تعاریف و حدود و همچنین عدم هماهنگی لازم با فرهنگ و مقتضیات بومی و اسلامی این راهبرد هزینه های زیادی را به حزب مشارکت اصلاح طلبان و جمهوری اسلامی وارد کرد که برخی از این هزینه ها عبارت بودند از:

(۱) رخنه فرصت طلبان و جنبش های ضد نظام و ضد دین در جرگه اصلاح طلبان؛

(۲) بی اعتنایی به خودی ها و بی تفاوت بودن در قبال مقوله خودی و غیر خودی؛

(۳) بروز اغتشاشات و ناامنی هایی همانند غائله کوی دانشگاه تهران، غائله خرم آباد اغتشاشات سال ۱۳۸۸ و نقش آفرینی فرصت طلبان در آن؛

(۴) امتیازدهی و انفعال در سیاست خارجی در مقولاتی همانند پرونده هسته ای ایران.

راهبردهای حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی در حوزه فرهنگی بسیار قابل توجه می باشد که با توجه به اینکه با موضوع این تحقیق ارتباط کمتری دارد بایستی در مجالی دیگر به آن پرداخته شود.

۶- نهضت آزادی ایران

این نهضت به دنبال نزدیک کردن ارزش های غربی به ارزش های اسلامی و جایگزین نمودن مفاهیمی از قبیل عقل گرایی و جدایی دین از سیاست، علم گرایی، جدایی دین از روحانیت و لیبرالیسم است. در اینجا تلاش می شود تا با معرفی اجمالی و مبانی فکری این جریان با برخی فعالیت های شان آشنا شویم.

این جریان نخستین تشکلی بود که التقاط اسلام با مکاتب دیگر غرب را مطرح نمود و به همین جهت التقاطی که بعدها به وجود آمدند همگی به نوعی از نهضت آزادی اثر پذیرفته اند و به عبارت دیگر نهضت آزادی مادر فکری آنها محسوب می شود.

نهضت آزادی ایران در تاریخ ۱۳۴۰/۲/۲۷ در تهران، در منزل آقای صادق فیروز آبادی فرزند آیت الله فیروز آبادی و به ابتکار مهندس مهدی بازرگان شکل گرفت اعضای مؤسس ۴۲ نفر بودند و هفت نفر از آنها یعنی آیت الله سید محمود طالقانی، پدال الله سبحانی، مهدی بازرگان حسن نزیه منصور عطایی، رحیم عطایی و عباس سمیعی از طرف هیئت مؤسس مأمور تهیه مرام نامه نهضت شدند. (سلطانی ۱۳۷۵) البته این نکته قابل تامل است که در این اساسنامه نام حزب محل استقرار هیئت مؤسس محل استقرار عضویت تشکیلات اعضای شورای مرکزی دبیرکل و چگونگی تصمیم گیری و... می آید در حالی که در مرام نامه مانی اعتقادی و سیاسی اهداف و خط مشی مورد بحث قرار می گیرد.

پایه اصلی نهضت آزادی با کسب نظر از دکتر مصدق ریخته شد؛ به همین جهت اکثر اعضا و فعالان آن را کسانی تشکیل می دادند که با دکتر مصدق و جبهه ملی همکاری داشتند. در این راستا نهضت یکی از اصول چهارگانه خود را پیروی از خط مشی مصدق اعلام کرد (خاطرات بازرگان، ۱۳۷۷) مهندس بازرگان در زمینه روند و اهداف نهضت آزادی می گوید از درون جبهه ملی نهضت آزادی به وجود آمد که هم وارث نهضت مقاومت ملی بود و هم فریاد زنده شعار شاه سلطنت کند و نه حکومت (بازرگان، ۱۳۶۲).

در آغاز بهمن ۱۳۴۱ نه نفر از افراد شاخص نهضت آزادی بازداشت و به زندان های چهار تا ده ساله محکوم شدند به همین جهت فعالیت نهضت آزادی متوقف شد. پس از آزادی رهبران از زندان نیز آنها هیچ گونه فعالیتی نداشتند تا این که در دی ماه ۱۳۵۶ جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر را تأسیس نمودند. نهضت آزادی قائل به انقلاب، نبود آنها در مرام نامه هم پذیرفته بودند

که تابع قانون اساسی شاه باشند و بر این شیوه اصرار داشتند به گونه ای که بازرگان در آبان ماه ۱۳۵۷ در دیدار با امام به ایشان گفتند خوب است قدم به قدم جلو برویم و شاه سلطنت بکند و ما مجلس درست کنیم. (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۶۲) که حضرت امام با این طرق تفکر مخالفت تصوف شاه نهضت آزادی به صورت رسمی اعلام مینمود که هیچ گونه اقدامی از طریق قانون آن هم جز رفتار کاملاً مسالمت آمیز از ناحیه این جمعیت صورت نخواهد گرفت (موسوی خمینی، ۱۳۶۹).

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام (ره)، مهندس بازرگان را به ریاست دولت موقت منصوب نمود دولت، بازرگان نه ماه بیشتر دوام نیاورد و به دلیل مخالفت با تسخیر لانه آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط، امام استعفا کرد. موضع گیری تند نهضت آزادی در برابر اقدام دانشجویان که حضرت امام (ره) آن را انقلاب دوم نامیده بود، دفاع از اقدام جبهه ملی که لایحه قصاص را محکوم کرده بودند، جانبداری صریح از سازمان مجاهدین خلق که هزاران نفر از مسئولین و مردم را به شهادت رسانیده بود، نوشتن ده ها بیانیه، در اعتراض به جنگ، مصاحبه علیه مسئولین با رسانه های بیگانه و ... کا را به جایی رسانید که حضرت امام (ره) در سال ۱۳۶۶ در جواب نامه وزیر کشور اعلام نمودند که نهضت آزادی صلاحیت برای هیچ امری را از امور دولتی یا قانون-گذاری یا قضایی را ندارد. پس از این نامه فعالیت نهضت آزادی، غیر قانونی شد. از آن پس به بعد نهضت آزادی به جمع اپوزوسیون خارج کشور پیوست و مخالفت خود را علیه نظام اعلام نمود و مخالفت خود را علیه نظام اعلام نمود و به اقدامات دیگری روی آورد؛ به گونه ای که در سال ۱۳۷۸ شماری از اعضا به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و شرکت در کنفرانس های گروه های مخالف نظام در خارج کشور و ارتباط با بیگانگان [متن ادعا نامه متهمین پرونده نهضت آزادی دادگستری تهران صفحه ۹۳] و گروهی دیگر از اعضا و دبیر کل نهضت آزادی نیز که در اغتشاشات ۱۳۸۸ شرکت داشتند دستگیر و زندانی شدند. مهندس بازرگان بنیان گذار نهضت آزادی با نوشتن ده ها کتاب پایه فکری و عقیدتی نهضت آزادی را ریخت و تا سال ۱۳۷۳ که از دنیا رفت رهبری نهضت را به عهده داشت. پس از در گذشت وی رهبری و دبیر کلی آن به ابراهیم یزدی واگذار شد که هم اکنون نیز عهده دار این مسئولیت است. اعضا و کادر مرکزی نهضت آزادی ۴۰ نفر هستند که ۱۵ نفر آنها در تهران هستند.

۶-۱- خط مشی کلی

نهضت آزادی با شعار ما مسلمانیم و ایرانی و صدقی) تأسیس گردید. این سه اصل، زیر بنای مرام و شیوه نهضت است خط مشی کلی نهضت در تفکر و اندیشه بر پایه التقاط میان اسلام و دموکراسی غربی و ملی گرایی ترسیم گردید با همین طرز تفکر بود که نهضت آزادی و به خصوص شخص بازرگان به تلفیق علم و دین دست زد و سعی کرد بین مفاهیم جدید غربی و اسلام سازگاری ایجاد کند بهره گیری از علوم تجربی مهم ترین و برجسته ترین ویژگی بازرگان بود. او برای فهم دین از علوم تجربی استفاده می کرد و اعلام می نمود که هدفش از این کار پاک کردن دین از خرافه ها و اشتباهات است و می خواهد مسلمانان را از انحطاط نجات دهد. او می کوشید برای درست جلوه دادن نظریه های خود مبادی دینی و اسلامی دست و پا کند. در همین راستا و با همین دید التقاطی، به تفسیر و تأویل قرآن و نهج البلاغه و سایر متون شیعه می پرداخت (بازرگان، ۱۳۴۸).

بازرگان میخواست میان اسلام و دموکراسی آشتی پدید آورد و در این راه از مفاهیم برابری، آزادی و امثال آنها استفاده می کرد. موضع اساسی نهضت، تأکید بر آزادی می باشد به گونه ای که این مفهوم در عنوان رسمی آنها نیز وارد شده است ظلم پادشاهان و دیکتاتوری پس از کودتای ۲۸ مرداد ... سران نهضت را به این نتیجه رسانده بود که تمام مشکلات کشور، ناشی از استبداد است و راه حل این مشکل را اصلاح طلبی آن هم به شیوه سیاسی و مسالمت جویانه در قالب قانون اساسی تشکیل می-دهد. آنها به شیوه دموکراسی غربی معتقد بودند که باید شاه را از طریق قانون اساسی محدود کنند تا این که سلطنت کند نه حکومت، به همین جهت، پایبندی به قانون اساسی شاهنشاهی را از اصول مهم خود در مرام نامه قرار دادند.

۷- نتیجه گیری

در بررسی پیشینه حزب مشارکت به خوبی رگه هایی از روشنفکری التقاطی دیده می شود. و این موضوع حزب مشارکت را از دیگر احزاب برگرفته شده از گفتمان انقلاب اسلامی جدا می سازد هر چند که برخی از اعضای این حزب دلبستگی هایی به انقلاب اسلامی داشتند، اما نگرش غالب در حزب باعث شد تا گروه های کج اندیش و فرصت طلب در کشور بتوانند جولان بدهند. نهضت آزادی نیز از دهه چهل قبل از انقلاب با روی کار آمدن دمکرات ها در آمریکا و آزادی های سیاسی در ایران از بسترهای بوجود آمده به خوبی بهره برده است. با روی کار آمدن دمکرات ها به دنبال جلب توجه آمریکا بودند و با انتصاب بازرگان به عنوان نخست وزیر ایران و تشکیل دولت موقت؛ حزب به کار خود ادامه داد و با تسخیر لانه جاسوسی، دولت موقت نیز استعفا داد و بعد از آن با بدترین الفاظ به نظام حمله ور شد و هیچ خط قرمزی را برای خود قائل نبود. تا آنجا که حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۶ نهضت آزادی را برای هیچ کاری صالح ندانستند و ضرر آنها را بیشتر از منافقان برشمردند و تا سال ۱۳۷۶ نهضت فعالیت قابل ذکری نداشت.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران فصلنامه زمانه شماره ۶۶
۲. اسناد نهضت آزادی، (۱۳۶۲)، تهران، نهضت آزادی ص ۳۲.
۳. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۶۲)، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، تهران، نهضت آزادی ص ۲۱۴.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۴۸)، راه طی شده، تهران، شرکت سهامی انتشار ص ۷۵.
۵. جبهه مشارکت اسلامی، (۱۳۸۱) بیانیه‌ها و مواضع جبهه مشارکت ایران اسلامی از کنگره اول تا کنگره دوم، تهران، انتشارات جبهه مشارکت اسلامی.
۶. جبهه مشارکت ایران اسلامی (۱۳۸۱)، مرامنامه و اساسنامه جبهه مشارکت ایران اسلامی، تهران، نشر جبهه مشارکت ایران اسلامی
۷. جلالی پور حمیدرضا، (۱۳۸۱)، دفاع از اهداف و راهبرد اصلاح طلبی، بازتاب اندیشه زمستان ۸۱، ش ۳۳.
۸. حق شناس، محمدجواد (۱۳۷۸)، گرایش به تحزب بعد از دم خرداد، فصلنامه یاد، شماره ۵۳
۹. خاطرات بازرگان (۱۳۷۵) در گفتگو با سرهنگ نجاتی، شصت سال خدمت و مقاومت، تهران، رسا.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۰/۹ محمدرضا خاتمی دبیر کل سابق حزب مشارکت
۱۱. روزنامه صدای عدالت ۱۳۸۱/۴/۲۵.
۱۲. روزنامه یاس نو
۱۳. زیباکلام صادق (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی: تحزب در ایران (جلد ۲)، تهران، همشهری
۱۴. سلطانی مجتبی (۱۳۷۵) خط سازش، تهران، دفتر ادبیات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ص ۲۳.
۱۵. شمسی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۶) جامعه شناسی سیاسی احزاب ایران، قم، زمزم هدایت.
۱۶. قربانی، نبی الله (۱۳۷۹)، گرایش به تحزب بعد از دم خرداد، تهران، همشهری
۱۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۹) صحیفه نور مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) (جلد ۹)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار ص ۱۰۲